



## فصل پنجم: جادوی نظم به طرز چشم‌گیری زندگی شما را متحول می‌کند

خانه خود را مرتب کنید تا دریابید که واقعاً چه کاری می‌خواهید انجام دهید در ژاپن، برداشت افراد از نماینده کلاس، شخص محبوبی است که دارای ویژگی‌های رهبری است و دوست دارد از دیگران متمایز باشد و برای هر فردی با چنین خصوصیتی از اصطلاح «تیپ شخصیتی نماینده کلاس» استفاده می‌کنیم. در مقابل، من «تیپ شخصیتی سازمان‌گر» هستم، فرد عجیب و غریبی که در گوشه کلاس به آرامی کار می‌کند و به دور از هیاهو، قفسه‌ها را مرتب می‌کند. منظور من دقیقاً همین است و کاملاً جدی هستم. اولین وظیفه رسمی که در دوره دبستان به عهده گرفتم، «مرتب کردن» بود. آن روز را دقیقاً به یاد دارم. همه برای کارهایی مانند غذا دادن به حیوانات خانگی مدرسه یا آب دادن به گیاهان مشغول رقابت بودند، اما وقتی معلم گفت: «چه کسی می‌خواهد مسئول سازماندهی و مرتب کردن کلاس درس باشد؟» هیچ‌کسی به جزم دستش را بالا نبرد و من با اشتیاق فراوان دستم را بالا بردم. با نگاهی به گذشته، متوجه شدم که ژن‌های مرتب کردن من، حتی در همان سنین پایین، فعال شده بودند. با توجه به فصل‌های قبل، متوجه شده‌اید که روزهایم را در مدرسه چگونه سپری کرده‌ام؛ کلاس، کمد و قفسه‌های کتاب را با خوشحالی و اعتماد به نفس دوباره مرتب می‌کردم.

وقتی این داستان را به اشتراک می‌گذارم، مردم اغلب می‌گویند: «شما خیلی خوش شانس هستید که از همان سنین کودکی فهمیدید چه کاری را دوست دارید. به شما غبطه می‌خورم. واقعاً نمی‌دانم به چه کاری علاقه دارم...» اما این اواخر کاملاً متوجه شدم که چقدر سازماندهی را دوست دارم. اگرچه تقریباً تمام وقت خود را درگیر مرتب کردن، یا آموزش به مشتریان در خانه‌های آن‌ها، یا ارائه سخنرانی بودم، ولی در جوانی آرزویم این بود که ازدواج کنم. مرتب کردن، یک بخش جدایی‌ناپذیر زندگی روزمره‌ام بود و روزی که کار خود را شروع کردم، متوجه شدم که مرتب کردن می‌تواند حرفه من باشد.

وقتی مردم درباره کار مورد علاقه‌ام از من می‌پرسیدند، ابتدا مکث می‌کردم و در نهایت با ناامیدی می‌گفتم: «دوست دارم کتاب بخوانم» و در حالی که با تعجب از خود می‌پرسیدم: «چه کاری دوست دارم انجام بدهم؟»، کاملاً فراموش کرده بودم که در دوره دبستان، نقش سازماندهی کلاس را به من سپرده بودند. پانزده سال بعد، در حالی که اتاق خود را مرتب می‌کردم، ناگهان به یاد گذشته‌ها افتادم. می‌توانستم در ذهنم، معلم خود را ببینم که مشغول نوشتن نام من روی تخته سیاه است و با کمال تعجب فهمیدم که از همان سنین کودکی به این حرفه علاقه‌مند شده بودم. به روزهای مدرسه خود و کارهایی که از انجام آن لذت می‌برید، فکر کنید. شاید مسئول غذا دادن به حیوانات بودید یا احتمالاً نقاشی کردن را دوست داشتید. هر چه بوده، احتمال این وجود دارد که به کاری که اکنون به عنوان بخشی عادی از زندگی خود انجام می‌دهید، به نوعی مرتبط باشد، حتی اگر این کار را به همان شیوه انجام ندهید. در واقع کارهایی که واقعاً دوست داریم، در طول زمان تغییر نمی‌کند. نظم بخشیدن به خانه خود، یک راه عالی برای کشف علایق شماست.

یکی از مشتریان من از دوستان خوب دوران دانشجویی ام است. اگرچه در ابتدا بعد از فارغ التحصیلی برای یک شرکت بزرگ فناوری اطلاعات کار می کرد، ولی از طریق مرتب کردن متوجه شد که دقیقاً دوست دارد چه کاری را انجام دهد. وقتی خانه او را مرتب کردیم، او به قفسه کتاب خود نگاهی انداخت که دیگر فقط شامل کتاب هایی بود که او را مجذوب خود می کنند و متوجه شد که تمام این عناوین به رفاه اجتماعی مربوط هستند. بسیاری از کتاب هایی که برای مطالعه زبان انگلیسی یا برای بهبود و تقویت مهارت های رایانه بعد از شروع به کار خریده بود، کنار گذاشته بود، در حالی که کتاب هایی که در زمینه رفاه اجتماعی بودند و در دوره راهنمایی خریده بود، هنوز باقی مانده بودند. با نگاهی به کتاب ها، به یاد آورد که سال ها پیش، قبل از ورود به شرکت به طور داوطلبانه کار پرستاری از کودکان را انجام داده بود. ناگهان متوجه شد که می خواست در ساخت جامعه ای سهم باشد که والدین بتوانند بدون احساس نگرانی در مورد فرزندان خود، کار کنند. وقتی برای اولین بار از شور و اشتیاق خود آگاه شد، بعد از پایان دوره آموزشی من، یک سال را با مطالعه و آماده سازی خود سپری کرد، سپس از شغل خود انصراف داد و یک مؤسسه مراقبت از کودکان را تأسیس کرد. اکنون مشتریان بسیاری دارد که به خدمات او اعتماد می کنند و هر زمان که در مورد نحوه پیشرفت بیشتر کار خود تحقیق می کند، بی نهایت لذت می برد.

«وقتی خانه ام را مرتب کردم، متوجه شدم که واقعاً چه کاری را می خواهم انجام دهم». این ها جملاتی بودند که دائماً از مشتریان خود می شنیدم. تجربه مرتب کردن باعث شده بود تا بسیاری از افراد با شور و اشتیاق بیشتری به کار خود پردازند. برخی از آن ها شرکت های خودشان را تأسیس کردند، برخی دیگر شغل خود را تغییر دادند و افراد دیگری نیز به حرفه کنونی خود بیشتر علاقه مند شدند. همچنین آن ها به سایر علایق و خانه و زندگی

خانوادگی خود، اشتیاق بیشتری پیدا می‌کنند. آگاهی آن‌ها نسبت به آنچه دوست دارند، افزایش می‌یابد و در نتیجه زندگی روزمره آن‌ها هیجان‌انگیزتر می‌شود.

اگرچه می‌توانیم با بررسی و تجزیه و تحلیل ویژگی‌های شخصیتی خود یا با گوش دادن به دیدگاه دیگران در مورد خودمان، خود را بهتر بشناسیم، اما معتقدم که بهترین شیوه خودشناسی، مرتب کردن است. علاوه بر این، وسایل ما دقیقاً مرتبط با تصمیم‌هایی است که در زندگی گرفته‌ایم. مرتب کردن، روش ارزیابی دقیقی است که آنچه را که واقعاً دوست داریم به ما نشان می‌دهد.

### تأثیر جادویی نظم

«تاکنون، باور داشتم انجام دادن کارهایی که چیزی به زندگی من اضافه می‌کند، مهم است، بنابراین در سمینارها شرکت می‌کردم و برای افزایش دانش خود مطالعه می‌کردم؛ اما از طریق دوره آموزشی مرتب کردن فضای خانه به شما، برای اولین بار متوجه شدم که رها کردن، حتی بسیار مهم‌تر از اضافه کردن است.» این نظریکی از مشتریانم بود که سی سال داشت و به تحصیل علاقه داشت و یک شبکه گسترده اطلاعاتی را ایجاد کرده بود. بعد از شرکت در دوره‌های آموزشی من زندگی او به‌طور چشمگیری تغییر کرد. اولین موردی که نمی‌خواست از آن‌ها دل بکند، مجموعه بزرگی از یادداشت‌ها و مطالب سمینارهایش بود، اما وقتی بالاخره آن‌ها را دور انداخت، احساس کرد که بار سنگینی از روی دوش خود برداشته است. پس از خلاص شدن از شریپانصد جلد کتابی که قصد داشت روزی آن‌ها را بخواند، متوجه شد که هرروز اطلاعات جدیدی را دریافت می‌کند؛ و وقتی تعداد زیادی از کارت‌های ویزیت را دور انداخت، افرادی که می‌خواست با

آن‌ها ملاقات کند، با او تماس گرفتند و او توانست به طور کاملاً طبیعی با آن‌ها ملاقات کند. درحالی‌که قبلاً به امور معنوی پرداخته بود، ولی وقتی دوره آموزشی را به پایان رساند، با خوشحالی گفت: «مرتب کردن بسیار بیشتر از فنگ شویی<sup>۱</sup> یا سنگ‌های نیروبخش و سایر وسایل معنوی تأثیر دارد.» از آن زمان به بعد، به سرعت زندگی خود را تغییر داد و شغل خود را رها کرد و برای کتاب خود به دنبال یک ناشر بود.

مرتب کردن، به طور چشم‌گیری زندگی افراد را متحول می‌کند. این امر برای همه افراد صد در صد صدق می‌کند. تأثیر این اتفاق که من آن را «جادوی نظم» نامیده‌ام، خارق‌العاده است. گاهی اوقات، از مشتریان خود می‌پرسم که بعد از حضور در دوره‌های آموزشی، زندگی آن‌ها چه تغییراتی کرده است. اگرچه دیگر به پاسخ‌های آن‌ها عادت کرده‌ام، اما در ابتدا حتی از پاسخ‌های آن‌ها تعجب می‌کردم. زندگی افرادی که به یک‌باره به طور کامل مرتب و منظم می‌شود، بدون استثنا به طور چشم‌گیری تغییر می‌کند. مشتری که توصیف کردم، در تمام زندگی خود فردی کاملاً شلخته بود. وقتی مادر او اتاق او را مرتب و منظم دید، چنان تحت تأثیر قرار گرفت که خود نیز در کلاس‌های من ثبت‌نام کرد. اگرچه او معتقد بود که فردی مرتب است، ولی با دیدن اتاق دخترش متقاعد شد که واقعاً این‌گونه نیست. او از دور ریختن وسایل بسیار لذت می‌برد تا جایی که وقتی از شروسایل پذیرایی مراسم چای عصرانه که حدود دویست و پنجاه دلار قیمت داشت خلاص شد، اصلاً پشیمان نبود و مشتاقانه در انتظار روزهای انتخاب بازیافت و زباله بود.

---

۱. فنگ‌شویی در لغت روشی چینی در ساخت منزل یا راهی برای چیدن لوازم منزل بر اساس اصول تعریف شده است. توجه کنید که تلفظ صحیح این کلمه، فنگ شویی (feng shui) است.